



علوم اسلامی

پس از گذشت حدود دو قرن از ظهور اسلام، این دین توانست بخش زیادی از جهان آن روز را با تعالیم خود نورافشانی کند. در این سرزمین‌ها تمدنی جوانه زد، رشد کرد، بالید و چند قرن، جهان را تحت سیطره خود قرار داد. پایه‌های این تمدن را علمی تشکیل می‌داد که حاصل مطالعه، تحقیق و تلاش‌های فراوان دانشمندان مسلمان بود.

فهرست مندرجات

- ۱ - تأثیر اسلام بر جانها
- ۲ - معیار علوم اسلامی
 - ۲.۱ - دسته اول از علوم اسلامی
 - ۲.۲ - دسته دوم از علوم اسلامی
 - ۲.۳ - دسته سوم علوم اسلامی
 - ۲.۴ - دسته چهارم علوم اسلامی
- ۳ - چند نکته
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

تأثیر اسلام بر جانها

پرتو اسلام، جان انسان را تغییر داد و بینش او را به جهان اصلاح کرد، به هر انسانی ارزش مستقلی داد. و او را به شناخت جهان، انسان و آفریدگار، جهان و انسان دعوت کرد. و همین عامل بود که مسلمین جرقه‌های علوم گذشتگان را به مشعل‌های فروزان و ماندگار تاریخ تبدیل کردند.

معیار علوم اسلامی

اما معیار اسلامی بودن علم چیست؟ آیا هر علمی می‌تواند اسلامی باشد، یا این که اسلام بعضی علوم را مردود دانسته و آن را نفی کرده است؟ در هر صورت معیار و ملاک اسلامی بودن علوم چیست؟ ممکن است موضوع، مسائل، غرض و انگیزه و منبع و مستند هر علم و حتی تشویق و ترغیب اسلام به تعلیم و فراگیری یک علم بتواند ملاک و معیاری برای اسلامی بودن آن باشد. به علاوه که گاهی فهم و درک و یادگیری و یاد دادن بعضی از علوم و بلکه فهم متون و منابع اسلامی، نیازمند فراگیری علم دیگری است؛ این جنبه مقدمی بودن نیز ممکن است بتواند ملاک و معیار دیگری به شمار آید، بنابراین می‌توان علوم اسلامی را به چند دسته تقسیم کرد.

← دسته اول از علوم اسلامی

با نظری به دانش‌های مختلف اسلامی بودن برخی از علوم به آسانی قابل تحلیل است. چرا که علمی همانند تفسیر قرآن، فقه، حدیث، قرآن، کلام نقلی و... علمی هستند که همه برای فهم آموزه‌های دین اسلام تدوین شده‌اند و همه بر اساس همان آموزه‌ها و تحت تأثیر هدایت و فرمایشات پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و ائمه اهل بیت - علیهم‌السّلام - شکل یافته‌اند. به تعبیری موضوع مسائل، غرض و منبع مطالعاتی این علوم همه در دوران خود دین اسلام می‌باشد و در این دسته همین است.

با نگرشی اجمالی به سیر تدوین این علوم در سرزمین‌های اسلامی و مطالعه اولین جوانه‌های هر یک از این دانش‌ها، این نکته به خوبی آشکار می‌شود. گسترش اسلام به ممالک غیرعرب، عدم آشنایی مردم آن کشورها و حتی خود مسلمانان عرب زبان مدینه و مکه با قرآن و حدیث و حتی زبان عربی، اختلاف قراءات و نسخه‌های دستنویس قرآن، در دهه‌های اول هجری، نیاز مسلمین به دانستن احکام و عدم دسترسی آنها به پیامبر و ائمه و اصحاب ایشان و اختلافات گوناگون بر سر مسائل عقیدتی، همه و همه جزو علل تشکیل این علوم می‌باشند. و روشن است که نخستین و اصلی‌ترین منبع مطالعاتی و تحقیقاتی دانش فقه، یا علوم قرآن و یا تفسیر و... خود قرآن کریم و سنت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و اهل بیت - علیهم‌السّلام - می‌باشد.

علاوه بر نیاز مردم به ضرورت به کارگیری احکام اسلام (قرآن و سنت) برای بهتر زیستن در ابعاد مختلف زندگی (فردی، خانوادگی، اجتماعی) و مراحل آن، انگیزه و عامل اصلی تشویق مردم به فراگیری این علوم، آیات متعدد قرآن کریم و روایات فراوان از پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - و اهل بیت - علیهم‌السّلام - است. چنان که بارها در قرآن، دستور به تدبّر در قرآن و فهم آن آمده است.

[۱] سوره نساء، آیه ۸۲.

[۲] سوره مجد، آیه ۳۴.

[۳] سوره ص، آیه ۳۹.

و یا مردم به فراگیری دقیق و عمیق فقه یعنی همه آنچه در دین آمده است، دعوت شده‌اند.

[۴] سوره توبه، آیه ۱۲۲.

در روایات اهل بیت - علیهم‌السّلام - نیز دستور به آموزش قرآن،

[۵] ری شهری، مجد، میزان الحکمه، دار الحدیث، ۱۴۱۹، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ج ۶، ص ۲۵۲۱.

آموزش فقه،

[۶] ری شهری، مجد، میزان الحکمه، دار الحدیث، ۱۴۱۹، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ج ۶، ص ۲۴۵۴.

ترویج و تعلیم حدیث

[۷] ری شهری، مجد، میزان الحکمه، دار الحدیث، ۱۴۱۹، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ج ۲، ص ۵۴۶-۵۴۷.

فراوان یافت می‌شود.

← دسته دوم از علوم اسلامی

گروه دوم مجموعه دانش‌هایی که مقدمه علوم دسته اول محسوب می‌شوند، یعنی پس از شکل‌گیری هسته‌های اولیه علوم هم‌چون **فقه**، **تفسیر**، **کلام** و ... در اثر گسترش مباحث و نیز ظهور دیدگاه‌های مختلف و متعدد، دانشمندان این علوم، نیازمند معیارها و ملاک‌هایی برای سنجش و نیز **ترویج** و آموزش دانسته‌های خود شدند و این عامل خود منجر به شکل‌گیری علوم دیگری هم چون **اصول فقه** و یا بخش عقلی **علم کلام**، **فلسفه**، **منطق** و **رجال** و ... گردید. این علوم نیز در مواردی دارای منابع دینی هستند، بسیاری از مسائل علم اصول فقه، برگرفته از **آیات قرآن** و **روایات** است؛ و البته منبع اصلی این علوم برون دینی و عقلی است. با این حال به دلیل دینی بودن انگیزه فراگیری این علوم و نیز این که مقدمه علوم دسته اول هستند، و هم چنین تطبیق بسیاری از تعالیم دینی بر آموزه‌های این علوم، این علوم نیز اسلامی محسوب می‌شوند.

مثلاً دانش **منطق**، **فلسفه**، جزو علوم وارداتی هستند که در **قرن سوم هجری** و در پی نهضت ترجمه، به عالم **اسلام** منتقل شده‌اند ولی در متون دینی مباحثی درباره **توحید**، و **صفت خداوند** و یا استدلال بر **وجود خداوند** آمده است که قابل تطبیق بر مسائل فلسفی هستند و بلکه در برخی موارد بدون مقدمات فلسفی قابل فهم نیستند. به عنوان مثال آیات اول **سوره حدید** و **سوره اخلاص** که طبق روایت فهم آن از عهده عالمان **آخر الزمان** برمی‌آید. و یا **خطبه اول نهج البلاغه**، که معارف بلند توحیدی را بیان می‌کند. و نیز برخی از آیاتی که حالت استدلالی دارند مثل **آیه ۲۵ و ۲۶ سوره طه**.

[۸] جواد آملی، عبدالله، تبیین براهین اثبات خدا، نشر اسراء، قم، ۱۳۴۸، ج سوم، ص ۱۲۳ - ۱۲۰.

به علاوه که بسط و گسترش این علوم و پالایش آنها از موهومات و افزودن مسائل جدید و ترویج این علوم، همه مدیون مجاهدت‌های بی‌دریغ عالمان مسلمان است.

← دسته سوم علوم اسلامی

در میان علوم که در **تمدن اسلامی** شکوفا شد، علمی می‌توان یافت که مهمترین نکته اسلامی بودن آنها، یکی اسلامی بودن انگیزه یادگیری آن علوم و دیگری تشویق دین اسلام می‌باشد. و الا به لحاظ منبع و روش مطالعاتی این علوم، **علوم غیر دینی** محسوب می‌شوند.

ادبیات عرب، **تاریخ**، **نجوم**، جزو مثال‌های بارز این دسته می‌باشند، البته ادبیات عرب که مانند **منطق** و **اصول فقه** از **علوم آلی** محسوب می‌شود مقدمه تمامی علوم و به خصوص علوم دینی نیز محسوب می‌شود و به این لحاظ می‌تواند در گروه دوم نیز قرار گیرد. به هر حال غرض از دانستن این علم، فهم دین بوده است، و نخستین قواعد ادبیات عرب را نیز **امیر المؤمنین** آموزش داده‌اند.

[۹] زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۴۷۸ - ۴۸۰.

و در مراحل بعدی نیز **امام باقر** و **امام صادق** - علیهم‌السلام - از پایه‌گذاران این علوم محسوب می‌شوند.

[۱۰] قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۰۰.

[۱۱] قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۰۲.

[۱۲] قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۰۳.

درباره **تاریخ** این دو نکته قابل توجه است. زیرا نکات فراوانی از تاریخ زندگانی **انبیاء** و دشمنان آنان، در **قرآن کریم** آمده است. در **روایات** نیز به بسیاری از **صالحان** و **طالحان** گذشته اشاره شده است. و این خود عامل مهمی در گرایش مردم **مسلمان** به مطالعه تاریخ دارد. عامل دیگر دستور صریح **قرآن** به مطالعه احوال امت‌های گذشته و عبرت‌گیری از سرنوشت ایشان می‌باشد.

[۱۳] سوره یوسف، آیه ۱۰۹.

[۱۴] سوره حج، آیه ۴۶.

[۱۵] سوره روم، آیه ۹.

[۱۶] سوره آل عمران، آیه ۱۳۷.

[۱۷] سوره نحل، آیه ۳۶.

علم نحو نیز در اثر این دو عامل، پیشرفت کرد. زیرا شناخت اوضاع اجرام آسمانی، جهت شناخت ایام **روزه** و **حج** و ساعات **نماز** و سایر **عبادات** و ... تأثیر اساسی دارد و در واقع **علم نجوم** را جزو **علوم واجب اسلامی** قرار داده است، در **قرآن** نیز می‌توان اشاره‌ای به این علم یافت.

[۱۸] سوره نحل، آیه ۱۶.

[۱۹] سوره انعام، آیه ۹۷.

[۲۰] سوره بقره، آیه ۱۸۹.

علم طب نیز از جهتی جزو همین گروه از علوم است. در روایتی علم طب در کنار علم **دین** آمده است.

[۲۱] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۱۰۵.

در همان آدرس در کتاب میزان الحکمه روایت دیگری آمده که چهار علم را در کنار هم آورده است: **امام علی** - علیه‌السلام - فرمودند علوم چهار قسمند: **علم فقه** برای دین شناسی، علم طب برای **بدن**، علم نحو برای زبان شناسی، علم نجوم برای شناخت زمان‌ها. به علاوه که توصیه‌های فراوان بهداشتی و بهزیستی فراوانی در **روایات** وجود دارد.

[۲۲] طبرسی، حسن بن الفضل، مکارم الاخلاق، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۱۴ ق، ج ۱

← دسته چهارم علوم اسلامی

دسته چهارم از علوم اسلامی، علمی هستند که عموماً ریشه در بیرون از مرزهای عالم **اسلام** دارند ولی دانشمندان **مسلمان**، با مطالعات و پژوهش‌های خود آنها را به کمال رسانده و نکات و مسائل جدید بسیاری به مسائل محدود آنها افزوده‌اند. توصیه **اسلام** به یادگیری و تعلیم و ترویج علم حتی از نزد غیرمسلمین

[۲۳] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۰۸۲، دار الحدیث.

و از دورترین سرزمین‌ها،

[۲۴] میزان الحکمه، ج ۵، دار الحدیث، ص ۲۰۷۰.

مسلمانان را به جستجوگرانی خستگی ناپذیر تبدیل کرد و آنان در پی فهم پیچیدگی‌های جهان اطراف به تحقیق پرداختند.

چنان که **پیامبر اسلام** اسیران **کفار** را در ازای آموزش به مسلمانان آزاد کردند.

[۲۵] میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۰۸۲، دار الحدیث.

بسیاری **علوم تجربی** مثل **شیمی**، **فیزیک**، **زیست شناسی**، **علوم ریاضی** و ... بدین صورت پا گرفته و نضج یافته‌اند. هر چند به شهادت **تاریخ** جوانه‌های ابتدایی همین علوم را نیز نزد **اهل بیت** - علیهم‌السلام - باید ردیابی کرد.

چنان که درباره طب و نجوم به آنها اشاره شده و نیز شاگردی **جابر بن حیان** شیمی دان نامی نزد **امام صادق** - علیه‌السلام - معروف است. پس اسلامی نامیدن این علوم به انگیزه دینی و نیز مسلمان بودن عالمان آنهاست.

چند نکته

۱. در تمامی این علوم، منابع **دین اسلام** به عنوان یک معیار همیشه وجود دارد. یعنی حتی اگر منبع پژوهشی یک علم، **قرآن** و **حدیث** نیز نباشد، یافته‌های آن علم با آموزه‌های قطعی **قرآن** و **سنت** سنجیده می‌شوند، و در صورت تنافی با دین، آن مطلب و حتی آن علم از ارزش خواهد افتاد و به همین جهت علمی

مثل **سحر و نجوم** احکامی و... هیچ گاه اقبال عام نیافتند و مورد توجه دانشمندان قرار نگرفتند.
 ۲. تقسیم‌بندی ذکر شده در نوشتار فوق بر اساس حصر عقلی نیست. و چنین نیست که یک علم فقط در یک گروه جا می‌گیرد و ممکن است یک علم از چند جهت متّصف به اسلامی بودن شود مثل **ادبیات عرب** یا **طب**، ما تلاش کردیم مهمترین عامل را معیار تقسیم‌بندی قرار دهیم.
 ۳. علومی که به آنها اشاره شد، از جهت **حکم تکلیفی** ممکن است احکام مختلفی پیدا کنند و **واجب**، **حرام**، **مباح** و یا **مستحب** و یا **مکروه** به شمار آیند که این جهت خارج از بحث ما قرار می‌گیرد، البته هر علمی بر اساس نیاز **جامعه اسلامی** به آن، **واجب کفایی** خواهد بود.
 این نوشتار کوتاه، تلاشی است برای بازنویسی، تحلیل استاد **شهید مطهری**، در این زمینه که اصل نظریات ایشان در منبع ذیل می‌باشد: آشنایی با علوم اسلامی، انتشارات صدرا، ج ۱، (فلسفه و منطق)، ص ۱۰ - ۱۵.

پانویس

۱. ↑ سوره نساء، آیه ۸۲.
۲. ↑ سوره مجد، آیه ۳۴.
۳. ↑ سوره ص، آیه ۲۹.
۴. ↑ سوره توبه، آیه ۱۲۲.
۵. ↑ ری شهری، مجد، میزان الحکمه، دار الحدیث، ۱۴۱۹، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ج ۶، ص ۲۵۲۱.
۶. ↑ ری شهری، مجد، میزان الحکمه، دار الحدیث، ۱۴۱۹، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ج ۶، ص ۲۴۵۴.
۷. ↑ ری شهری، مجد، میزان الحکمه، دار الحدیث، ۱۴۱۹، بیروت، لبنان، چاپ دوم، ج ۲، ص ۵۴۶-۵۴۷.
۸. ↑ جوادی آملی، عبدالله، تبیین براهین اثبات خدا، نشر اسراء، قم، ۱۳۶۸، چ سوم، ص ۱۲۲-۱۳۰.
۹. ↑ زبدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۹، ج ۹، ص ۴۷۸-۴۸۰.
۱۰. ↑ قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۰۰.
۱۱. ↑ قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۰۲.
۱۲. ↑ قربانی، زین العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۰۳.
۱۳. ↑ سوره یوسف، آیه ۱۰۹.
۱۴. ↑ سوره حج، آیه ۴۶.
۱۵. ↑ سوره روم، آیه ۹.
۱۶. ↑ سوره آل عمران، آیه ۱۳۷.
۱۷. ↑ سوره نحل، آیه ۳۶.
۱۸. ↑ سوره نحل، آیه ۱۶.
۱۹. ↑ سوره انعام، آیه ۹۷.
۲۰. ↑ سوره بقره، آیه ۱۸۹.
۲۱. ↑ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۱۰۵.
۲۲. ↑ طبرسی، حسن بن الفضل، مکارم الاخلاق، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۱۴ ق، ج ۱.
۲۳. ↑ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۰۸۳، دار الحدیث.
۲۴. ↑ میزان الحکمه، ج ۵، دار الحدیث، ص ۲۰۷۰.
۲۵. ↑ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۰۸۳، دار الحدیث.

منبع

سایت اندیشه قم